

ساز شناسی ... برای همه ...



سازهای بادی مسی

پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

«کور»

«کور» (Cor) که به معنی شاخ آمده، چون «فلوت» و نی از سازهای باستانی و بسیار کهنسالست. در آغاز کار این ساز را از شاخ حیوانات می ساختند و وجه تسمیه آن هم اشاره به همین معنی است. معروفست که اسکندر کبیر در ارتش خود کور عظیمی داشت که صدای آن تا فاصله ۳۶۰ کیلومتر می رسید و برای فراخواندن و گرد آوردن سربازان بکار می رفت ... البته «کور» های اولیه با ساز «پیستون» داری که امروزه بدین نام می شناسیم چندان شباهتی نداشت. بعدها «کور» هائی از چوب و فلز و عاج نیز ساخته شد که نمونه هائی از آنرا هنوز هم در برخی از مناطق اروپا و آسیا در دست چوپانان می توان دید. سیر تکامل این سازهای مقدماتی، به ساز موسوم به «کورشکاری»



« کور شکاری »

(Cor de chasse) منتج شد که بخصوص در اوایل قرن هفدهم در فرانسه و در شکار در جنگل مورد استفاده قرار می گرفت و هنوز هم معمولست . « کور شکاری » مثل « ترومپت » ساده فقط اصوات فرعی يك صوت اصلی را می تواند اجرا کند . چندی بعد برای آنکه حدود صوتی « کور شکاری » را وسعت دهند به طول لوله آن افزودند بدین معنی که لوله هائی اضافی بر لوله اصلی سوار نمودند ؛ بدینگونه « کور آرمونی » (Cor d'harmonie) پدید آمد . این ساز نیز نخستین بار در فرانسه ساخته و معمول شد و از همین روست که انگلیسی ها آنرا « کور فرانسوی » (French horn) می خوانند . « کور آرمونی » را باندازه های مختلف می ساختند تا اجرای مایه های مختلف با آن امکان پذیر باشد . اذ او اخر قرن هفدهم این ساز در اور کستر و در اوپرا راه یافت .

« کور پیستون دار »

کور پیستون دار شکل تکامل یافته « کور آرمونی » است ؛ در اوایل قرن نوزدهم سازندگان آلمانی آلات موسیقی ب فکر افتادند که پیستون هائی بر روی آن کار گذارند و از این راه اشکال تعویض لوله های اضافی کور



آرمونی را رفع نمایند. ولی در آغاز کار این ساز نوظهور بسختی مورد انتقاد قرار گرفت زیرا عده‌ای بر آن بودند که طنین و رنگ کور ساده بر آن ترجیح دارد و از آن زیباتر است. سرانجام کور بایستون در پایان قرن نوزدهم بطور قطعی در اور کستر آثار «واگنر» مستقر شد و «ویرتوئوزینه» و امکانات وسیع آن، نظر التفات مخالفان را نیز بر آن جلب نمود.

امکانات و خصوصیات کور

نوت قطعات کور معمولاً با کلید سول نوشته می‌شود. با استفاده از پیستون، بر روی وسعت صوتی آن که متجاوز از سه اوکتاواست، گام کروماتیک بسهولت قابل اجراست. کوری که معمولاً در ارکستر بکار می‌رود کور فا دارای سه پیستون است (صوت اصلی آن فا می باشد).

کور از لوله بلندی بطول تقریبی ۵ متر متشکل است که سه بار بر روی خود می‌پیچد. حرکات لب در نواختن کور اهمیت زیاد دارد و عمل بستیار دقیقی است. بهمین علت در اور کستر سنفونیک نوازندگان کور، کار را بین بین خود تقسیم می‌کنند: معمولاً دو تن از اینان فقط اصوات بم را می‌نوازند و دو تن دیگر نوت‌های زیر را؛ زیرا نواختن نوت‌های زیر و بم متناوباً، و بوسیله

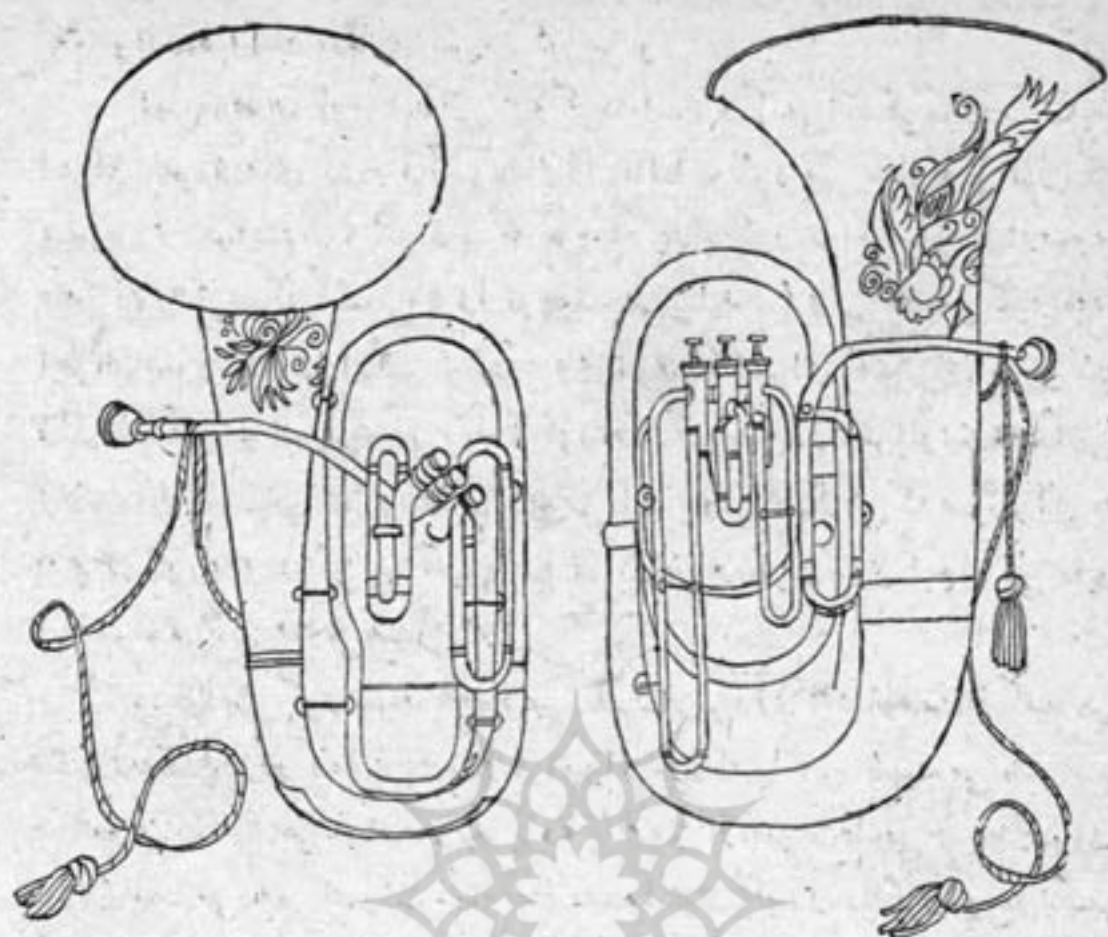
يك نوازنده واحد، كاری بس مشکل می بود .

لحن وطنین کور اندکی تار و گرفته است و گاهی اندکی مرددمی نماید؛ اجرای ملودی های آرام و آسوده ای را غالباً به کور می سپارند (تم زیبای پیش پرده « فرایشوتز » اثر وبر که بوسیله چهار کور نواخته می شود و محیط سحر آمیز « جنگل آلمانی » را توصیف می نماید .) ولی تخصص کور فقط اجرای ملودی های دل انگیز نیست : وی از عهده اجرای آهنگهای پر حرکت و نشاط انگیز نیز بخوبی بر می آید (کور « زیگفريد » در « ترا الوژی » واگنر) وطنین آن گاه لحن ندا و خطاب نیز می یابد . ولی هنگامی که صوت آن به اصوات کورهای دیگر می آمیزد محیط بشاش و مسرت باری ایجاد می نماید (« موسیقی آب » اثر هندل) .

در نواختن کور تمهید مخصوصی هم بکار می رود که عبارتست از گذاردن مشت دست چپ در دهانه باز ساز ؛ اصواتی را که با این تمهید می شنوایند « اصوات بسته » می خوانند و نیم پرده پایین تر از اصوات طبیعی (یا « اصوات باز ») صدا می دهد . اصوات بسته حالت محو و غبار آلودی دارد و تنوع رنگ آمیزی صوتی را غنی تر می سازد .

«توبا»

«توبا» (Tuba) بزرگترین و بهترین سازهای خانواده «مسی» است . «توبا» اصوات معدودی اجرا می کند ولی این اصوات قوی و شدیدند . «توبا» دارای سه، چهار یا شش پیستون است ؛ نواختن آن مستلزم داشتن نفسی قویست زیرا طول لوله آن (که کاملاً پر پیچ و خم است) گاه به ده متر می رسد . تخصص و وظیفه توبا در اورکستر ایجاد اصوات بسیار بمست . معمول ترین نوع توبا ، تنور ، باس و کنترباس است . برخی از انواع توبا ، که « هلی کن » (Hélicon) نام دارد ، بشکل حلقه هائی ساخته می شود . در اورکسترهای انگلیسی و امریکائی نوعی توبا بکار می رود که «سوزافون» (Sousaphone) خوانده می شود و ساز عظیمی است که قطر دهانه باز آن به شصت سانتیمتر می رسد و از بالای سر نوازنده قد بر می افرازد ... توبا در اورکستر مکمل سه ترومبون است ولی در حدود صوتی میانی با آنها درهم نمی آمیزد . وظیفه اصلی آن ، همچنانکه گفتیم ، اجرای «باس» های محکم



و بر مایه است ولی از عهدۀ ادای ملودیهای بم وجدی نیز بر می آید. «راول»
 در اورگسترسیون قسمت «بیدلو» از «تابلوهای نمایشگاه» اثر «موسورگسکی»،
 ساز توپارا با «سولو»ی زیبایی جلوه گر ساخته است.

توبا برای نخستین بار در نیمۀ اول قرن نوزدهم و در آلمان در اورگستر
 بکار رفت. این ساز متعلق به خانواده نسبتاً مهمیست که «ساکسپورن»
 (Saxhorns) نام دارد و بوسیله «ساکس» مخترع «ساکسوفون» اختراع
 شده است. برخی دیگر از سازهای خانواده «ساکسپورن»، مثل «بوگل»
 (Bugle)، در اورگسترهای نظامی نقش مؤثری اجرا می کنند.

«ساروزوفون»

«ساروزوفون» (Sarrusophone) سازی مسی است که دارای قمیش
 دو گانه ای می باشد؛ نام آن از اسم مخترعش «سار» مشتق گردیده است. انواع
 متعدد خانوادۀ «ساروزوفون» در دستۀ های موسیقی نظامی بطرز مؤثری
 بکار می رود. در اورگستر سنفونیک گاهی «ساروزوفون» را بجانیشینی
 «کترباسون» می گمارند.

«موزیک»، «فانفار»، «باند»، دسته‌های موسیقی نظامی،،

... اورکسترها و دسته‌هاییست که از سازهای بادی - مسی و چوبی - متشکل است و معمولاً در مراسم نظامی، در هوای آزاد، در رژه‌ها و موارد مشابه دیگری بکار می‌رود. اختلاف اساسی یک «دسته موزیک»، یا «فانفار»، بایک اورکستر سنفونیک در اینست که در دسته‌های مذکور سازهای زهی وجود ندارد زیرا اینگونه دسته‌ها معمولاً در هوای آزاد مورد استفاده قرار می‌گیرد و صوت سازهای زهی به فاصله دوری نمی‌رسد. از طرف دیگر دسته‌های مزبور غالباً در حال حرکت و راه رفتن بکار می‌پردازند و نواختن برخی از سازهای زهی در آن حال ناممکنست.

در آغاز کار دسته‌های «فانفار» و «باند» فقط از سازهای بادی مسی و طبل تشکیل می‌شد ولی بتدریج سازهای بادی چوبی نیز بدانها افزوده گردید. در دوره ما یک «فانفار» پنجاه نفری از پانزده تاهیجده قره‌نی، چهار تاپنج ساکسوفون، در حدود بیست ساز مسی (ترومپت، «کورنه» پیستون‌دار، کور، ترومبون، توبا، «سوزافون» ...) و چند طبل و دیگر سازهای ضربی متشکل است. در موارد کنسرهای «مجلسی»، سازهای دیگری بدین جمع می‌توان افزود.

معمولاً قطعاتی که بوسیله دسته‌های «فانفار» و موسیقی نظامی اجرا می‌گردد، «مارش»ها و قطعات کمانه بیش متشابه دیگریست که مخصوصاً برای اینگونه دسته‌ها نوشته می‌شود. با اینحال گاهی آثار سنفونیک و قطعات دیگری را نیز برای این قبیل اورکسترها تنظیم می‌کنند.

